

# نظری اجمالی بر هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی

شانتیو خزایی

## چکیده

معمولاً هزینه‌های جاری خانوارها علاوه بر آن‌که صرف خرید کالاهای مصرفی مورد نیاز نظیر پوشاک و خوراک و ... می‌شود، بخشی نیز به خرید کالاهای فرهنگی اختصاص می‌یابد. پژوهش‌ها بر این نکته تأکید می‌ورزند که نوسان در درآمد خانوارها، نرخ هزینه‌های مصرف‌شده در شاخص‌ها و مقولات فرهنگی را دستخوش نوسان می‌کند. مقاله حاضر می‌کوشد، هزینه‌های فرهنگی خانوارهای روستایی و ارتباط آن را با صفات غیرمشترک این خانوارها (نظیر درآمد و بعد خانوار) به‌اجمال بررسی کند.

## مقدمه

پژوهش «بررسی جایگاه هزینه‌های فرهنگی<sup>۱</sup> در بودجه خانوار» با هدف بررسی آماری هزینه‌های فرهنگی خانوارهای شهری و روستایی و تبیین جایگاه این هزینه‌ها در هزینه‌کل خانوار صورت گرفته است. این پژوهش با استفاده از اطلاعات پایه مرکز آمار ایران، که هر ساله از طریق آمارگیری نمونه‌ای از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی جمع‌آوری می‌شود، انجام پذیرفته است. از سال ۱۳۴۲ آمار هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی را مرکز آمار ایران به صورت موازی با بانک مرکزی جمع‌آوری و ثبت کرده است<sup>۲</sup> اما به علت طبقه‌بندی زیرمجموعه‌های این آمارها در سال‌های ۴۲ تا ۴۹، که گاه تفکیک کردن هزینه‌های فرهنگی را از سایر هزینه‌ها غیرممکن ساخته، در این پژوهش هزینه‌های فرهنگی عملاً از سال ۵۰ تا ۷۵ بررسی شده است. یادآوری می‌شود، به علت انجام شدن آمارگیری نمونه‌ای از هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال‌های ۵۵، ۵۷ و ۶۰ و برای خانوارهای روستایی در سال‌های ۵۹ و ۶۰

و همچنین به علت در دسترس نبودن جزئیات آمارگیری سال ۷۴ برای دو جامعه مذکور، در دوره زمانی مورد نظر این پژوهش، سال‌های فوق فاقد اطلاعات است.

اطلاعات پایه این پژوهش به قیمت جاری سال آمارگیری در مستندات مرکز آمار ایران ثبت شده است. از آن‌جا که مقایسه هزینه‌های فرهنگی خانوار در سال‌های مختلف به قیمت جاری میسر نیست و سری تشکیل شده را نمی‌توان تجزیه و تحلیل کرد، همه اطلاعات مربوط به هزینه‌ها با استفاده از شاخص قیمت مربوطه، که بانک مرکزی آن را هر سال محاسبه و منتشر می‌کند، به قیمت ثابت سال ۱۳۷۵ تبدیل شده است. بنابراین، با توجه به بهنگام‌سازی قیمت‌ها و تبدیل کردن قیمت جاری به ثابت، اثر تورم از هزینه‌های خانوار حذف شده است و افزایش (یا کاهش) هزینه‌های فرهنگی در یک سال نسبت به سال قبل ناشی از توجه بیش‌تر (یا کم‌تر) خانوار به کالاها و خدمات فرهنگی و در نتیجه، بهره‌برداری بیش‌تر (یا کم‌تر) از آن‌هاست. یادآوری می‌شود، برخی از شاخص‌های مرتبط با اقتصاد خانوار، نظیر ضریب اهمیت کالاها و خدمات فرهنگی، با استفاده از قیمت جاری دقیق‌تر بیان می‌شوند. به همین دلیل، ضریب اهمیت با استفاده از قیمت ثابت سال ۷۵ محاسبه نشده است.

در این پژوهش، علاوه بر بررسی متوسط هزینه‌های فرهنگی خانوار شهری و روستایی (به تفکیک) که بدون توجه به صفات غیرمشترک آن‌ها - نظیر سطح هزینه، سطح درآمد، بُعد خانوار و تعداد شاغلان - صورت گرفته، این گروه از هزینه‌ها براساس صفات مذکور نیز بررسی شده است.

همچنین، هزینه‌های فرهنگی خانوار شهری و روستایی به چند گروه عمده تقسیم و هر یک جداگانه بررسی شده‌اند. این گروه‌ها، که زیرمجموعه هزینه‌های فرهنگی محسوب می‌شوند، عبارت‌اند از: هزینه‌های ارتباطات، آموزش، تحصیل و مطالعه، مسافرت، تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی، مذهبی و متفرقه. شایان ذکر است که هزینه‌های ارتباطات، شامل هزینه‌های ارتباطات شغلی نیست و صرفاً هزینه‌هایی را دربرمی‌گیرد که خانوار صرف مکاتبات، مراسلات و مکالمات کرده است. از طرف دیگر، هزینه‌های آموزش و تحصیل، مسافرت و امور مذهبی نیز که در صورت پذیرش مفهوم عام، فرهنگی محسوب می‌شوند در این محاسبات وارد شده‌اند.

در این مقاله صرفاً متوسط کل هزینه‌های فرهنگی یک خانوار روستایی به صورت مجمل بررسی شده است. بررسی زیرمجموعه‌های هزینه‌های فرهنگی خانوار و همچنین بررسی

هزینه‌های فرهنگی و زیرمجموعه‌های آن برحسب صفات غیرمشترک نظیر درآمد، هزینه و بُعد خانوار نیازمند مجال بیش‌تر است.

### متوسط کل هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی

متوسط کل هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی از سال ۵۰ تا ۷۵ نوسان داشته است. این نوسان با نوسان متوسط کل هزینه‌های یک خانوار روستایی<sup>۳</sup> هماهنگ و هم‌سو بوده است. البته برای این قاعده یک دوره کوتاه مدت استثنا وجود دارد، که شامل سال‌های ۵۳ تا ۵۷ است. در خلال سال‌های مذکور نمی‌توان ارتباطی تعریف‌شده بین متوسط کل هزینه‌های فرهنگی و متوسط کل هزینه‌های یک خانوار روستایی یافت. از نظر مقدار هزینه‌های فرهنگی، سری زمانی این هزینه‌ها را به دو دوره می‌توان تقسیم کرد؛ دوره اول شامل سال‌های ۵۰ تا ۵۲ است که سطح هزینه‌های فرهنگی از ۱۵۹/۲ هزار ریال فراتر نرفته است. این رقم در سال ۵۲ حتی کم‌تر از ۵۰ هزار ریال بوده است. دوره دوم شامل سال‌های ۵۳ و ۵۴ است که سرآغاز دوره جدیدی به‌شمار می‌رود که خانواده‌های روستایی سطح هزینه‌های فرهنگی خود را به‌طور چشمگیری افزایش داده‌اند، به‌طوری‌که در سال ۵۳ این گروه از هزینه‌ها برای یک خانوار روستایی به ۵۰۶/۴ هزار ریال و در سال ۵۴ به ۹۳۵/۱ هزار ریال رسیده است.<sup>۴</sup> رقم اخیر بیش‌ترین هزینه‌ای است که یک خانوار روستایی به‌طور متوسط صرف تأمین کالاها و خدمات فرهنگی در طول سال‌های ۵۰ تا ۵۷ کرده است. از سال ۵۳ تا سال ۵۷، تغییر هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی روند مشخصی را نشان نمی‌دهد. متوسط کل هزینه‌های یک خانوار روستایی طی سال‌های مذکور گرچه مسیر معینی را در جهت رشد پشت سر گذاشته، هزینه‌های فرهنگی با آن هماهنگ نبوده است.

از سال ۵۷، ضمن وجود همسویی بیش‌تر بین متوسط کل هزینه‌های یک خانوار روستایی با متوسط کل هزینه‌های فرهنگی آن، نوسان‌هایی به‌صورت دوره‌ای بروز کرده، یعنی هزینه‌های فرهنگی هماهنگ با هزینه کل خانوار روستایی، از سال ۵۸ تا ۶۳ دوره نسبتاً باثباتی داشته است. بعد از سال ۶۳ تا سال ۶۷ هر ساله مقادیر کم‌تری صرف خرید کالاها و خدمات فرهنگی خانوار شده است. با شروع برنامه اول توسعه یک خانوار روستایی هر ساله نسبت به سال قبل مبلغ بیش‌تری به امور فرهنگی خود اختصاص داده، اما این روند رو به رشد تا سال ۷۱ بیش‌تر ادامه نیافته است. یعنی بعد از سال ۷۱ دوباره هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی کاهش داشته

است. شدت این کاهش گرچه چندان چشمگیر نیست، سیر آن تا سال ۷۵ تداوم یافته است. ارقام جدول شماره ۱ این تغییرات را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- متوسط هزینه‌های فرهنگی، هزینه کل و ضریب اهمیت کالاها و خدمات فرهنگی خانوار روستایی

سال	متوسط هزینه کل به قیمت ثابت ۷۵ سال	متوسط هزینه‌های فرهنگی به قیمت ثابت ۷۵ سال	سهم هزینه‌های فرهنگی در هزینه کل به قیمت ۷۵ سال	ضریب اهمیت کالاها و خدمات فرهنگی	هزینه‌های فرهنگی به قیمت جاری (تاریخی)
۵۰	۴۳۶۲/۹	۱۵۹/۲	۳/۶۵	۳/۳۴	۲۰۴۷
۵۱	۴۰۴۴/۱	۱۰۵/۶	۲/۶۱	۱/۳۴	۱۹۳۵
۵۲	۴۴۵۸/۵	۴۰/۴	۰/۹۰	۱/۲۰	۸۹۹
۵۳	۶۸۴۶/۲	۵۰۶/۴	۷/۴۰	۷/۳۹	۹۹۶۰
۵۴	۶۸۵۴/۳	۹۳۵/۱	۱۳/۶۴	۱۰/۹۸	۱۶۰۲۷
۵۵	۶۶۱۰/۵	۳۷۰/۶	۵/۶۱	۵/۰۳	۷۵۷۸
۵۶	۷۷۰۱/۴	۵۰۹/۴	۶/۶۱	۵/۳۹	۱۱۳۶۸
۵۷	۷۵۵۲/۴	۲۹۹/۵	۳/۹۶	۳/۴۸	۸۲۴۰
۵۸	۷۳۷۵/۳	۴۷۶/۹	۶/۴۷	۵/۷	۱۵۶۹۶
۶۱	۷۰۷۶/۶	۴۰۹/۴	۵/۷۸	۴/۷	۲۴۱۹۱
۶۲	۷۷۲۶/۲	۴۸۴/۷	۶/۲۷	۵/۴۴	۳۴۲۶۵
۶۳	۷۷۳۵/۱	۵۰۰/۴	۶/۴۷	۵/۵۷	۳۷۳۶۸
۶۴	۵۷۶۲/۶	۴۲۸/۸	۵/۶۷	۵/۱۳	۳۴۶۹۵
۶۵	۷۸۷۲/۸	۳۱۱/۲	۳/۹۵	۴/۴۶	۳۳۹۴۲
۶۶	۷۳۴۶	۲۴۶/۷	۳/۳۶	۳/۹۷	۳۶۰۹۹
۶۷	۶۸۲۸/۱	۲۱۴/۹	۳/۱۵	۳/۷۱	۳۹۲۴۸
۶۸	۷۸۴۲/۳	۲۲۶/۱	۲/۸۸	۳/۳۴	۴۳۶۳۶
۶۹	۸۹۹۵	۳۱۴/۳	۳/۴۹	۳/۹۳	۶۳۹۳۰
۷۰	۹۳۵۱/۵	۳۳۳/۹	۳/۵۷	۳/۹	۷۵۲۷۷
۷۱	۸۸۸۵/۷	۴۰۴/۳	۴/۵۵	۴/۵۸	۱۰۵۸۴۳
۷۲	۸۰۵۱/۵	۳۷۳/۶	۴/۶۴	۴/۶۳	۱۲۶۱۱۶
۷۳	۷۶۵۵/۱	۳۵۷/۶	۴/۶۷	۴/۸	۱۸۶۷۰۰
۷۵	۶۹۸۶/۸	۳۵۹/۷	۵/۱۵	۵/۱۵	۳۵۹۷۳۴

سیر زمانی هزینه‌های فرهنگی یک خانوار روستایی از سال ۶۳ به بعد از حالت تغییرات متناوب سالانه خارج و وارد مرحله تغییرات منظم دوره‌ای شده است. این تغییرات به روشنی با تغییرات هزینه کل یک خانوار پیوند خورده است. بنابراین، می‌توان گفت که بعد از سال ۶۳ خانوارهای روستایی در کنار سایر کالاها و خدمات معمولی روزمره، به کالاها و خدمات فرهنگی نیز بیش‌تر به چشم کالاها و خدمات عادی نگریسته‌اند، زیرا با افزایش هزینه کل، هزینه‌های فرهنگی افزایش و با کاهش آن، هزینه‌های فرهنگی خانوار نیز کاهش یافته است.

از سال ۶۳ تا ۶۷ سالانه به‌طور متوسط ۱۹ درصد از هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی کاسته شده و مقدار هزینه از حدود ۵۰۰ هزار ریال به ۲۱۵ هزار ریال تنزل یافته است. در سال ۷۱، سطح این گروه از هزینه‌های خانوار روستایی به حدود ۴۰۴ هزار ریال رسیده است. این رقم گرچه کم‌تر از مقدار هزینه‌ای است که یک خانوار روستایی در سال ۶۳ به امور فرهنگی اختصاص داده، رشدی متوسط معادل ۱۷ درصد در سال را در طول سال‌های ۶۷ تا ۷۱ نشان می‌دهد. بعد از سال ۷۱، خانوارهای روستایی هر ساله مبالغ کم‌تری به امور فرهنگی خانوار اختصاص داده‌اند، اما روند این کاهش چشمگیر نبوده، به طوری که رقم هزینه‌های فرهنگی در سال ۷۵ به ۳۶۰ هزار ریال رسیده که حاکی از  $\frac{3}{8}$  درصد کاهش در سال‌های ۷۲ تا ۷۵ است. بنابراین، با در نظر گرفتن جدول شماره ۱ می‌توان سال‌های سری زمانی ۵۰ تا ۷۵ را از نظر میزان هزینه‌های فرهنگی یک خانوار روستایی به چهار سطح یا طبقه تقسیم کرد:

۱- سال‌هایی که هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی کم‌تر از ۲۰۰ هزار ریال بوده که مشتمل بر سال‌های ۵۰ تا ۵۲ است.

۲- سال‌هایی که هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار ریال بوده که شامل سال‌های ۵۵، ۵۷ و دوره ۶۵ تا ۷۵ است.

۳- سال‌هایی که هزینه‌های فرهنگی بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار ریال بوده که دربرگیرنده سال‌های ۵۳، ۵۶ و دوره ۵۸ تا ۶۴ است.

۴- سال‌هایی که هزینه‌های فرهنگی یک خانوار روستایی بیش از ۶۰۰ هزار ریال بوده است. در این گروه فقط سال ۵۴ قرار دارد.

## متوسط کل هزینه‌های یک خانوار روستایی

متوسط کل هزینه‌های یک خانوار روستایی برآیند متوسط همه هزینه‌هایی است که آن خانوار صرف تأمین نیازمندی‌های خوراکی و غیرخوراکی خود می‌کند. بدون شک، هزینه‌های فرهنگی، که یکی از زیرمجموعه‌های هزینه کل است، جداگانه قابل بررسی نیست. حتی اگر ارتباط این دو هزینه در قالب ارقام بیان نشود، رابطه آن‌ها انکارناپذیر است. مثلاً در سال‌های قبل از ۵۳ که هزینه‌های فرهنگی در سطح نازلی قرار داشته، هزینه کل نیز شامل ارقامی کوچک بوده است. همچنین افزایش ارقام هزینه‌های فرهنگی بعد از سال ۵۲ و تغییر متناوب آن همزمان با دوره‌ای بوده است که هزینه‌های کل یک خانوار نیز به صورت چشمگیری افزایش یافته، هرچند تغییر این افزایش درآمد متناوب نبوده است. برای مقایسه تغییرات متوسط کل هزینه‌های یک خانوار روستایی با متوسط کل هزینه‌های فرهنگی جدول شماره ۱ مناسب است. با توجه به ارقام جدول شماره ۱ سری زمانی متوسط کل هزینه‌های یک خانوار روستایی را از نظر مقدار می‌توان به سه طبقه به شرح زیر تفکیک کرد:

- ۱- طبقه اول بین دو رقم ۸۰۰۰ تا ۹۵۰۰ هزار ریال واقع شده و شامل سال‌های ۶۹ تا ۷۲ است (در سال‌های ۶۹ تا ۷۲ هزینه‌های فرهنگی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار ریال بوده است). (در سال‌های ۵۳ تا ۶۴ هزینه‌های فرهنگی اغلب بیش‌تر از ۴۰۰ هزار ریال بوده است البته در سال‌های ۶۵ تا ۶۸ هزینه‌های فرهنگی خانوارهای روستایی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار ریال و در سال‌های ۷۳ تا ۷۵ نیز هزینه‌ها تقریباً در همین دامنه بوده است).
- ۲- طبقه دوم بین دو رقم ۶۵۰۰ تا ۸۰۰۰ هزار ریال واقع شده و شامل سال‌های ۵۳ تا ۶۸ و ۷۳ تا ۷۵ است.

- ۳- طبقه سوم بین دو رقم ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ هزار ریال واقع شده و شامل سال‌های ۵۰ تا ۵۲ است (هزینه‌های فرهنگی نیز در این سه سال حداقل بوده است).

سال ۱۳۵۳ نقطه عطفی در افزایش متوسط کل هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی به حساب می‌آید. در زمینه متوسط هزینه‌های فرهنگی نیز سال مذکور چنین بوده است. افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی در سال ۵۳ و تصمیم دولت وقت در مورد اتخاذ سیاست انبساطی پولی و مالی و در نتیجه، افزایش درآمد خانوار سبب شد تا در سال ۵۳ یک‌باره خانوار روستایی مبالغ درخور توجهی را صرف تأمین نیازهای فرهنگی و غیرفرهنگی خود کند که از

نظر مقدار، تفاوت بسیاری با سال ۵۲ داشت. هر چند تورم دورقمی سال‌های بعد از ۵۳ از افزایش سطح رفاه عمومی جلوگیری کرد و در سال‌های ۵۴ و ۵۵ از مقدار آن کاست، با این حال، خانوار روستایی در سال ۵۴ بیش‌تر از سال ۵۳ هزینه صرف امور فرهنگی کرد، ولی در سال ۵۵ به‌شدت از میزان آن کاسته شد.

در سال ۵۶ دوباره متوسط کل هزینه‌های خانوار روستایی ۱۶/۵ درصد و متوسط کل هزینه‌های فرهنگی ۳۷ درصد افزایش داشته است. از سال ۵۶ تا ۶۱ گرچه سالانه به‌طور متوسط ۱/۷ درصد از هزینه کل خانوار روستایی کاسته شده و هزینه‌های فرهنگی دچار نوسان‌های نامنظم بوده است. در سال ۶۲ حدود ۹/۲ درصد بر هزینه‌های خانوار روستایی افزوده شده است. در همین سال افزایش هزینه‌های فرهنگی حدود ۱۸/۶ درصد بوده است. از سال ۶۲ تا ۶۶ دوره نسبتاً باثباتی در هزینه کل خانوار روستایی وجود داشته، به‌طوری‌که خانوار روستایی طی سال‌های مذکور، سالانه حداکثر ۷۸۷۳ هزار ریال و حداقل ۷۳۴۶ هزار ریال صرف تأمین همه نیازهای خانوار کرده است. هم‌زمان با این دوره، هزینه‌های فرهنگی خانوار سالانه حدود ۲۰ درصد (به‌طور متوسط) کاهش داشته است. با گذشتن از سال ۶۷، تا سال ۷۰ هر ساله ۱۱ درصد بر هزینه کل و ۱۵/۸ درصد بر هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی افزوده شده است. بعد از سال ۷۰ که دوباره سطح تورم در کشور افزایش یافته، سطح ارقام واقعی هزینه‌های خانوار روستایی پایین آمده، به‌طوری‌که از سال ۷۰ تا ۷۵ سالانه به‌طور متوسط ۵/۷ درصد از رقم واقعی هزینه‌های خانوار روستایی کاسته شده است. طی همین مدت، هزینه‌های فرهنگی خانوار سالانه به‌طور متوسط ۲/۸ درصد کاهش داشته است.

پس، می‌توان نتیجه گرفت که بین متوسط کل هزینه‌های یک خانوار روستایی و متوسط کل هزینه‌های فرهنگی آن رابطه مستقیمی وجود دارد، اما شدت تغییرات یکسان نیست. میزان هماهنگی نرخ رشد دو گروه از هزینه‌های مورد نظر در بحث کشش درآمدی تقاضای کالاها و خدمات فرهنگی بیش‌تر بررسی می‌شود.

### کشش درآمدی تقاضای کالاها و خدمات فرهنگی

کشش درآمدی تقاضا شاخصی است که نشان می‌دهد در مقابل یک درصد افزایش درآمد خانوار، هزینه کالاها و خدمات مورد نظر (در این‌جا کالاها و خدمات فرهنگی) چند درصد

افزایش می‌یابد. اما از آن‌جا که درآمد لزوماً از نظر زمانی با هزینه منطبق نیست و از نظر مفهوم نیز درآمد شقوق مختلفی دارد، برخی از اقتصاددانان ترجیح می‌دهند در نظریه‌های خود از هزینه به‌جای درآمد برای محاسبهٔ کسش درآمدی تقاضا استفاده کنند. به همین دلیل، در این‌جا به تبعیت از بزرگان دانش اقتصاد، از هزینه به‌جای درآمد برای محاسبهٔ این شاخص استفاده شده است. شایان ذکر است که کسش درآمدی را می‌توان به‌صورت مقطعی یا سری زمانی محاسبه و تجزیه و تحلیل کرد. در حالت اول (مقطعی) می‌توان دو سری از سطوح هزینهٔ کل و هزینهٔ کالاها و خدمات مورد نظر را تهیه کرد و پس از محاسبهٔ تابع ریاضی که متغیر مستقل آن هزینهٔ کل و متغیر وابستهٔ آن هزینهٔ کالاها و خدمات مورد نظر است و در واقع، تابع تقاضای کالاها و خدمات مورد نظر با فرض ثبات همهٔ متغیرها به استثنای درآمد است (که به‌جای آن، هزینه نشسته است) می‌توان تابع کسش را محاسبه کرد و با این تابع میزان عددی کسش را در هر سطحی از درآمد (هزینه) محاسبه و تجزیه و تحلیل کرد. این روش، از اطلاعات زمان واحدی استفاده می‌کند. اما در حالت دوم، می‌توان به دو روش عمل کرد؛ در یک حالت، می‌توان کسش را با اطلاعات حاصل از دو نقطهٔ زمانی مقایسه کرد که این کار به دو روش نقطه‌ای و قوسی عملی است و در حالت دیگر، می‌توان از اطلاعات درآمد (هزینه) و هزینهٔ کالاها و خدمات مورد نظر، دو سری زمانی ساخت و پس از تعیین تابع ریاضی و محاسبهٔ ارقام شاخص آن را بررسی کرد.

ابتدا کسش درآمدی کالاها و خدمات فرهنگی به‌صورت مقطعی در سال‌های ۵۶، ۶۷، ۷۳ و ۷۵ مقایسه و بررسی اجمالی می‌شود و سپس کسش درآمدی کالاها و خدمات فرهنگی به روش قوسی، که در واقع میانگین کسش بین دو نقطهٔ زمانی است، ارائه و ارزیابی می‌شود. شایان ذکر است که هرگاه کسش درآمدی تقاضای کالا یا خدمتی به‌صورت تابع بیان شود یکی از توابع معروف «انگل» خواهد بود که نتیجهٔ آن یکی از «منحنی‌های انگل» است. قبل از بررسی ارقام کسش درآمدی کالاها و خدمات فرهنگی خانوار روستایی ارائهٔ توضیحی مختصر دربارهٔ تفسیر ارقام کسش ضروری است. سه دامنه از ارقام کسش درآمدی کالاها و خدمات بیانگر سه نوع رابطه بین تغییرات کالاها و خدمات (میزان تقاضا) و تغییرات سطح درآمد به شرح زیر است:

۱- کالاها و خدماتی که کسش درآمدی تقاضا برای آن‌ها بزرگ‌تر از صفر است. تغییرات تقاضا برای این دسته از کالاها و خدمات در جهت تغییرات درآمد خانوار است. به عبارت دیگر،



تقاضای این‌گونه کالاها و خدمات با افزایش درآمد افزایش، و با کاهش درآمد کاهش می‌یابد.

۲- کالاها و خدماتی که کشش درآمدی تقاضا برای آن‌ها کوچک‌تر از صفر است. تغییرات تقاضا برای این دسته از کالاها و خدمات، عکس تغییرات درآمد خانوار است. به بیان دیگر، تقاضای این‌گونه کالاها و خدمات با افزایش درآمد کاهش، و با کاهش درآمد افزایش می‌یابد.

۳- چنانچه کشش درآمدی تقاضای کالا یا خدمتی برابر یک باشد، بدین معنی است که به همان نسبتی که درآمد خانوار افزایش می‌یابد تقاضا برای کالا یا خدمت مورد نظر نیز افزایش می‌یابد.

اقتصاددانان همه کالاها و خدمات را برحسب این‌که کشش درآمدی تقاضایشان در کدام یک از دامنه‌های مذکور می‌گنجد به سه گروه تقسیم می‌کنند:

۱- کالاها و خدماتی که کشش درآمدی آن‌ها بین صفر و یک است، نرمال و از نوع ضروری هستند.

۲- کالاها و خدماتی که کشش درآمدی آن‌ها بیش‌تر از یک است، نرمال و از نوع لوکس هستند.

۳- کالاها و خدماتی که کشش درآمدی آن‌ها کوچک‌تر از صفر است، پست (گیفن) هستند. اینک با توجه به چهارچوب مذکور، ضمن ارائه ارقام، کشش درآمدی تقاضای کالاها و خدمات فرهنگی خانوار روستایی، به صورت مختصر تفسیر می‌شود. جدول شماره ۲ ارقام کشش درآمدی را در سطوح مختلف درآمد (به جای درآمد، هزینه خانوار نشسته است) در چند مقطع زمانی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲- کشش درآمدی در سطوح مختلف

سال	سطوح هزینه	۲۰۰۰	۳۰۰۰	۴۰۰۰	۵۰۰۰	۶۰۰۰	۷۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۱۵,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۳۰,۰۰۰
۱۳۵۶	-	-	-	-	۱۲/۷	۴/۷۸	۲/۲۳	۱/۵۸	۱/۳۸	۱/۲۸	۱/۲۲	
۱۳۶۷	۳/۳۶	۱/۸۸	۱/۵۴	۱/۳۹	۱/۳	۱/۲۵	۱/۱۴	۱/۱۰	۱/۰۷	۱/۰۶	۱/۰۵	
۱۳۷۳	-	۴/۷	۲/۴۴	۱/۸۹	۱/۶۵	۱/۵۱	۱/۳۱	۱/۱۸	۱/۱۳	۱/۱۰	۱/۰۸	
۱۳۷۵	۲/۶	۱/۷	۱/۴۴	۱/۳۳	۱/۲۶	۱/۲۱	۱/۱۴	۱/۰۹	۱/۰۶	۱/۰۵	۱/۰۴	

چنان‌که در جدول شماره ۲ مشخص است، در چهار مقطع زمانی تعیین شده، کشش درآمدی تقاضای کالاها و خدمات فرهنگی برای خانوار روستایی بزرگ‌تر از یک است. یعنی در چهار مقطع، خانوارهای روستایی به کالاها و خدمات فرهنگی به چشم لوکس نگرسته‌اند. اما در سطوح درآمدی پایین در هر چهار دوره ضریب شاخص کشش، ارقام نسبتاً بزرگی است که نشان می‌دهد خانوارهای کم‌درآمد روستایی به کالاها و خدمات فرهنگی، نه به چشم کالاها و خدمات عادی بلکه به‌مثابه کالاها و خدمات خیلی لوکس توجه داشته‌اند. با افزایش درآمد، توجه خانوارهای روستایی به کالاها و خدمات فرهنگی از لوکس به عادی می‌گراید، به‌طوری‌که خانوارهای پردرآمد روستایی در مقاطع ۶۷، ۷۳ و ۷۵ به کالاها و خدمات فرهنگی همان‌گونه توجه داشته‌اند که به کالاها و خدمات دارای کشش واحد. اما در میان این چهار مقطع، مقطع سال ۵۶ در همه سطوح درآمدی (هزینه‌ای) نسبت به سه دوره دیگر ارقام کشش بیش‌تری داشته است. این فزونی کشش در سال ۵۶ حاکی از این واقعیت است که برای اکثر قشرها و طبقات درآمدی روستایی، استفاده از کالاها و خدمات فرهنگی به‌شدت به افزایش درآمد خانوار وابسته بوده است. به عبارت دیگر، در سال ۵۶ با افزایش یک درصد درآمد در طبقات درآمدی، استفاده و تقاضای کالاها و خدمات فرهنگی نسبت به سه مقطع بعد از انقلاب اسلامی، بیش از یک درصد افزایش یافته است. بنابراین، می‌توان گفت کالاها و خدمات فرهنگی در سه مقطع ۶۷، ۷۳ و ۷۵ نسبت به ۵۶، کم‌تر لوکس تلقی شده‌اند. مثلاً در سطح درآمدی ۶۰۰۰ هزار ریال کشش درآمدی کالاها و خدمات فرهنگی در سال ۵۶ حدود ۱۲/۷ بوده، در صورتی‌که این شاخص برای سال ۶۷، حدود ۱/۳، برای سال ۷۳ حدود ۱/۶۵ و برای سال ۷۵ حدود ۱/۲۶ بوده است. بنابراین، در سطح درآمدی (هزینه) ۶۰۰۰ هزار ریال، در قبال یک درصد تغییر درآمد در سال ۵۶؛ خانوار روستایی ۱۲/۷ درصد هزینه کالاها و خدمات فرهنگی خود را تغییر داده است. اما در این سطح درآمد (هزینه) در سه مقطع دیگر، در مقابل یک درصد تغییر درآمد، هزینه کالاها و خدمات فرهنگی خانوار بین ۱/۲۶ تا ۱/۶۵ درصد تغییر داشته که به مراتب کم‌تر از رقم مربوط به سال ۵۶ است. از این شاخص می‌توان نتیجه گرفت که در همه سطوح درآمدی (هزینه)، سال ۷۵ کشش درآمدی کم‌تری داشته که این امر دلیلی است بر عمومیت استفاده از کالاها و خدمات فرهنگی در میان خانوارهای روستایی.

اما کشش درآمدی مقطعی (Cross Section)، که می‌توان آن را به‌صورت میانگین بیان کرد،

نسبت تغییر تقاضای کالاها و خدمات مورد نظر به تغییر درآمد خانوار در یک مقطع زمانی در مقابل نقطه زمانی دیگر است. محاسبه ارقام این شاخص در دو مقطع صورت گرفته است:

۱- در حالتی که هم هزینه کل خانوار و هم هزینه‌های فرهنگی آن رو به افزایش بوده است (سال ۷۰ نسبت به سال ۶۷)؛

۲- در حالتی که هم هزینه کل خانوار و هم هزینه‌های فرهنگی آن رو به کاهش بوده است (سال ۷۳ نسبت به سال ۷۱).

کشش مقطعی تقاضای کالاها، خدمات و رضایت‌مندی‌ها در سال ۷۰ (بر پایه سال ۶۷) بیانگر رقم  $1/39$  است. یعنی در سال ۷۰ نسبت به سال ۶۷ در مقابل یک درصد تغییر درآمد خانوار (افزایش درآمد)، هزینه‌های فرهنگی خانوار روستایی  $1/39$  درصد افزایش یافته است. از آنجا که این رقم بزرگ‌تر از یک است، در سال ۷۰ این گروه از کالاها و خدمات مورد مصرف خانوارهای روستایی، تقریباً لوکس تلقی می‌شده‌اند.

اما در سال ۷۳ نسبت به ۷۱ شاخص مذکور به  $0/8$  تقلیل یافته است. بنابراین، با گذشت زمان، از کمیت کشش درآمدی کالاها و خدمات مصرفی خانوار روستایی کاسته شده که این امر حاکی از توجه بیش‌تر جامعه روستایی به امور فرهنگی است. با توجه به رقم  $0/8$  در سال ۷۳، خانوارهای روستایی به کالاها و خدمات فرهنگی به چشم نیازی عادی نگریسته‌اند. در واقع نیاز عادی بین دو گروه نیازهای ضروری و لوکس قرار داشته است.

یادآوری می‌شود، ممکن است وقتی کشش درآمدی در سال واحد برحسب سطوح درآمد خانوارها محاسبه می‌شود، ارقام کشش در هر طبقه‌ای از درآمد متفاوت باشد و با کشش مقطعی محاسبه شده برای همان سال نسبت به سال(های) قبل تفاوت درخور توجهی را نشان دهد.

با توجه به آن‌چه درباره کشش درآمدی کالاها و خدمات فرهنگی خانوار روستایی گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که نگرش جامعه به امور فرهنگی، در حال دگرگونی است و از حالت تلقی کردن امور فرهنگی به مثابه پدیده‌ای لوکس و غیرضروری به سمت عادی تلقی کردن آن تمایل پیدا کرده است.

### پی‌نوشت

- ۱- منظور از هزینه‌های فرهنگی در تمام مقاله، متوسط کل هزینه‌های فرهنگی است.
- ۲- مرکز آمار ایران از سال ۱۳۴۲ آمارگیری هزینه و درآمد خانوار روستایی، و از سال ۱۳۴۷ آمارگیری هزینه و درآمد خانوار شهری را آغاز کرده است. بانک مرکزی نیز از سال ۱۳۴۲ آمار هزینه و درآمد خانوار شهری را تهیه کرده است.
- ۳- متوسط کل هزینه‌های یک خانوار روستایی شامل هزینه‌های خوراکی، دخانی و غیرخوراکی است که یک خانوار در یک سال به طور متوسط مصرف می‌کند.
- ۴- ارقام هزینه‌ها به قیمت ثابت سال ۱۳۷۵ محاسبه شده است.

